

بررسی و ارزیابی تطبیقی سرزندگی شهری در محله‌های اختصاصی و محلات سنتی با رویکرد توسعه پایدار در جغرافیا: مطالعه موردی کلان شهر تبریز

گلناز میکائیلی هاچه سو

دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

علی آذر^۱

گروه شهرسازی و معماری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۱۵

چکیده

پایداری و سرزندگی شهری از جمله موضوعاتی است که در طی چند دهه اخیر، مفاهیم کیفی برنامه‌ریزی شهری را تحت تأثیر قرار داده است. محیط‌هایی که از نظر مولفه‌های کالبدی - فیزیکی، اکولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در سطح مطلوبی قرار دارند، به همان اندازه از نظر سرزندگی شهری و پیامدهای مثبت آن یعنی از کیفیت زندگی مناسبی برخوردار هستند. با توجه به متنوع بودن بافت‌های شهری و انواع متفاوت مسکن و گسترش نوع خاصی از مجتمع‌های زیستی تحت عنوان محله‌های اختصاصی، تعیین میزان سرزندگی شهری به صورت مطالعه تطبیقی بین محلات سنتی و مجتمع‌های مسکونی برای تقویت ابعاد مثبت و کاهش موانع سرزندگی ضروری است. مقاله حاضر با نشان دادن اهمیت سرزندگی شهری به عنوان عامل مؤثر در بهبود کیفیت فضاهای شهری به ارزیابی تطبیقی سرزندگی شهری در مجتمع‌های مسکونی اختصاصی و محلات سنتی می‌پردازد. برای این منظور محله سنتی چرنداب و مجتمع مسکونی آسمان تبریز (به عنوان محله اختصاصی شده) جهت سنجش میزان سرزندگی شهری انتخاب گردیدند. روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است و از ابزار مطالعات اسنادی و پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم افزار SPSS انجام یافته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معناداری از نظر پایداری و سرزندگی شهری بین محلات سنتی و محله‌های اختصاصی وجود دارد. همچنین بین مولفه‌های اجتماعی و کالبدی و میزان پایداری و احساس سرزندگی ساکنین ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد. بطوریکه همبستگی بین متغیرهای بررسی برابر با ۰,۴۸۸ می‌باشد. ضریب تعیین ۰,۲۳ نشان می‌دهد که ۲۳ درصد تغییرات سرزندگی شهری مربوط به مولفه‌های اجتماعی و کالبدی است.

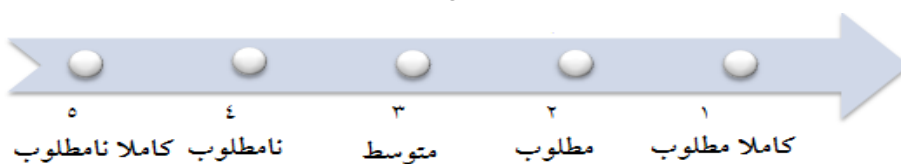
واژگان کلیدی: سرزندگی شهری، پایداری، محلات اختصاصی، محلات سنتی، چرنداب.

مقدمه

تعاریف مختلفی از سرزندگی در فضاهای شهری آمده است که هر کدام معیارهای کالبدی مختلفی را برای سنجش این ویژگی در اختیار طراحان منظر و محیط قرار می‌دهند ولی آنچه اهمیت دارد تاثیری است که یک فضای شهری از منظر روانشناختی بر شهروندان گذاشته آنان را به انجام فعالیت‌های مفید از جمله پیاده روی در مسیرها تشویق می‌نماید و همچنین امکان انجام فعالیت‌های اقلشار مختلف را در کمال امنیت فیزیکی و روانی فراهم می‌آورد. شناسایی عوامل مؤثر در سرزندگی یک فضا می‌تواند در جهت تحلیل وضع موجود و تصمیمات آتی به منظور ارتقاء سطح کیفی فضاهای عمومی شهر و جلوگیری از تکرار نواقص در ساخت مکان‌ها و فضاهای شهر مؤثر واقع گردد. شهرها به مثابه موجودات زنده‌ای هستند که حیات می‌یابند، رشد می‌کنند، به بلوغ می‌رسند و برای ادامه حیات به سرزندگی و نشاط نیازمندند. امروزه شهرهای بزرگ با رشد بالای جمعیت و توسعه بی‌حد کالبدی مواجه هستند. از این رو سبب شده است تا شهرها بامسائل و تنگنهایی چون کاهش کیفیت زندگی، جدایی محل کار از سکونت، دوری از طبیعت، کاهش فضاهای تفریحی و گذران اوقات فراغت، کاهش فضای عمومی و باز و در نهایت عدم سرزندگی و پایداری مواجه گردند. (آرین‌پور و موسایی، ۱۳۹۴) هر شهر ارگان زنده و پویایی است که برای حفظ سلامتی ساکنان و همچنین بقای خود، احتیاج به محیط شهری با کیفیت مناسب دارد (بهرامی نژاد، ۱۳۸۲). در زمان حاضر شهرهای ایران به گونه‌ای هستند که به لحاظ سرزندگی، با انواع مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، کالبدی - فیزیکی، حکمروایی، زیرساختی و زیست‌محیطی مواجه‌اند و این موضوعات نیز ارتباط مستقیم با مقوله کیفیت محیط‌های سکونتی می‌یابند. با توجه به متنوع بودن بافت‌های شهری و انواع متفاوت مسکن (خانه‌های تک واحدی، آپارتمان و مجتمع‌های مسکونی) و گسترش نوع خاصی از مجتمع‌های زیستی تحت عنوان مجتمع‌های مسکونی اختصاصی، تعیین میزان سرزندگی شهری به صورت مطالعه تطبیقی بین محلات سنتی و مجتمع‌های مسکونی برای تقویت ابعاد مثبت و کاهش موانع سرزندگی ضروری است. تا کنون مطالعات جامعی به منظور شناخت و تفاوت‌های احتمالی موجود بین محیط‌های متفاوت از جهت شاخص‌های سرزندگی شهری صورت نگرفته است؛ و عدم توجه به این امر می‌تواند موجب نزول تدریجی کیفیت محیط و به طبع آن کیفیت زندگی ساکنین شود. تداوم این معضل در نهایت به افول تعالی انسانی، که از مهم‌ترین الزامات پایداری برای نسل‌های کنونی و آتی است، می‌انجامد.

مقاله حاضر با نشان دادن اهمیت پایداری و سرزندگی شهری به عنوان عامل مؤثر در بهبود کیفیت فضاهای شهری به ارزیابی تطبیقی سرزندگی شهری در مجتمع‌های مسکونی اختصاصی (محلات اختصاصی شده) و محلات سنتی، می‌پردازد. با توجه به اهداف تحقیق، فرضیات تحقیق عبارتند: الف: به نظر می‌رسد میزان سرزندگی در مجتمع مسکونی اختصاصی آسمان بیشتر از محله سنتی چرنداب می‌باشد ب: به نظر می‌رسد بین مولفه‌های اجتماعی و کالبدی و میزان سرزندگی ارتباط وجود دارد. برای سنجش میزان سرزندگی در محلات سنتی و مجتمع‌های مسکونی اختصاصی، محله چرنداب (از محلات سنتی شهر تبریز که در داخل محدوده بافت قدیم قرار دارد) و مجتمع مسکونی آسمان تبریز (از مجتمع‌های مسکونی بزرگ مقیاس) انتخاب گردیده است. حجم جامعه آماری (N) که شامل تمامی ساکنین محله چرنداب و مجتمع مسکونی آسمان می‌باشد، به تعداد ۱۹۹۹۷ نفر است. طبق فرمول

کوکران، برآورد حجم نمونه آماری (n) ۳۱۸ نفر محاسبه گردید. در تکمیل پرسشنامه‌ها از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده استفاده گردیده است. بر اساس تناسب حجم جامعه آماری، تعداد ۲۶۸ مورد از محله چرنداب و ۵۰ پرسشنامه نیز از مجتمع مسکونی آسمان تبریز تکمیل گردید. برای آزمون قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه‌ها، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که این مقدار برابر با ۰/۸۶۴ به دست آمد. بنابراین، گویه‌های پرسشنامه از پایایی و اعتبار لازم برخوردار می‌باشند. مولفه‌های اصلی و متغیرها سنجش سرزندگی در سه بعد کالبدی- فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌شود. برای طراحی پرسشنامه از مقیاس اندازه‌گیری طیف لیکرت استفاده گردیده است. امتیازبندی این طیف برای سؤالات به صورت زیر می‌باشد:



پیشینه

تاریخچه مفهوم سرزندگی شهری به دهه ۶۰ میلادی می‌رسد. جیکوبز (۱۹۶۱) در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی به شاخص‌های سرزندگی شهری در قالب مولفه‌های کالبدی و اجتماعی تأکید می‌کند. از سال ۱۹۷۳ میلادی تحقیقات زیادی درباره سرزندگی شهری از منظر روانشناسی محیطی به رشته تحریر درآمده است که در برخی از آنها، سرزندگی معادل «رضایت از زندگی»، «رفاه» و «سلامت روانی» معنا گردیده است. بابایی و همکاران (۲۰۱۳) مولفه‌های تاثیرگذار در سرزندگی مجتمع‌های مسکونی را در سه مؤلفه؛ ابعاد کالبدی و محیطی، سطح امکانات و خدمات و سلامت روانی دسته‌بندی نموده است. آذر (۱۳۹۴) در رساله دکترای دانشگاه تبریز تحت عنوان «بررسی و تحلیل سرزندگی و پایداری در مجتمع‌های مسکونی کلان شهر تبریز با تأکید بر محله‌های اختصاصی» به بررسی و تبیین مفهوم سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی بزرگ مقیاس و مشخص نمودن عوامل اصلی مؤثر در سرزندگی مجتمع‌های مسکونی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که میزان سرزندگی در مجتمع‌های اختصاصی در حد مطلوب قرار دارد. نتایج دیگر پژوهش می‌تواند به تأثیر مجتمع‌های مسکونی اختصاصی در افزایش میزان پایداری اجتماعی ساکنین و ارتقای میزان پایداری اجتماعی بعد از سکونت در مجتمع‌های مسکونی اختصاصی اشاره نمود. قربانی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی کلان شهر تبریز» با مطالعه در مورد محلات ویجویه و رشديه به مطالعه و بررسی مؤلفه سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی و پاسخ به این سؤال که کم و کیف مفهوم سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی محدود مورد مطالعه چگونه است و چرا؟ پرداخته و علاوه بر بررسی‌های اسنادی از مطالعات پیمایشی مبتنی بر پرسشنامه نیز استفاده کرده است.

مبانی نظری

سرزندگی شهری واژه‌های نشاط و سرزندگی در زبان فارسی به یک معنا به کار می‌روند، لکن در ادبیات تخصصی طراحی شهری تنها واژه سرزندگی استفاده می‌گردد که معادل واژه‌های *Livability* و *Vitality* در زبان انگلیسی می‌باشد. نشاط و سرزندگی یکی از مؤلفه‌های اصلی یک مکان واجد کیفیت طراحی شهری می‌باشد. محیط‌های شهری سرزنده، زمینه ساز تعاملات اجتماعی بین افراد متفاوت و خلق و افزایش سرمایه اجتماعی می‌گردند (گلکار، ۱۳۸۶).

نیاز به دوست داشته شدن، نیاز به حمایت، نیاز به کسب امنیت و نیاز به پیوندجویی از نیازهای اساسی انسان هستند (Maslow, 1943). روشن است در یک سوی این نیازها فرد و در سوی دیگر آن اجتماع قرار دارد. ارضاء این نیازها در ارتباط فرد با جامعه میسر خواهد بود. از طرف دیگر مسکن نیز به عنوان مکانی که افراد حدود ۷۰ درصد عمر خود را در آن می‌گذرانند، مکانی مناسب جهت ایجاد فضایی در جهت تعامل اجتماعی افراد است. بنابراین خلق فضایی که ساکنین بتوانند با آرامش و آسایش و امنیت با یکدیگر تعامل داشته باشند از اهمیت فراوانی برخوردار است (صمدی و همکاران، ۱۳۹۲).

سرزندگی و کیفیت زندگی یکی از عواملی است که امروزه در مطالعات برنامه‌ریزی شهری جایگاه ویژه‌ای دارد. کیفیت زندگی ضمن دارا بودن ابعاد عینی (واقعی) و وابستگی به شرایط عینی و ذهنی و در نهایت به تصورات و ادراک فرد از واقعیت‌های زندگی بستگی دارد. امروزه کیفیت زندگی هدف اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها است که توسط اندیشمندان و برنامه‌ریزان تهیه می‌شود. وجود مشکلاتی مانند: ضعف منابع درآمدی، فقدان وسایل حمل و نقل عمومی و خصوصی، نبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی مناسب، مسکن نامناسب، مشکلات و آسیب‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی، تغذیه نامناسب و مسکن ناپایدار، محله‌های شهری و مجتمع‌های مسکونی ما چالش‌ها اساسی شهرنشینی جامعه معاصر می‌باشند (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰) مفهوم کیفیت زندگی به عنوان بازتاب همه جانبه احساس شخصی از سلامتی شامل همه عواملی که در رضایتمندی انسان نقش دارند، فرض شده است و تا حد زیادی تحت تأثیر کیفیت اجتماعی، اقتصادی و محیطی شهر می‌باشد (Pol, 1997). در ساخت مسکن، خیلی از منابع طبیعی و انسانی کشور بکار گرفته می‌شوند، لذا مجتمع‌های مسکونی بایستی از نظر مکان و موقعیت قرارگیری در سطح شهر، در وضعیت مطلوبی قرار گرفته باشند تا جمعیت‌پذیری و بازدهی آنها بیشتر شود. مطالعه ساختار فیزیکی-کالبدی حومه به طور اعم و محله‌های اختصاصی شده و دروازه دار کردن محلات به طور اخص، مهم‌ترین مباحث شهرسازی در کشورهای غربی را به خود اختصاص داده است. به طوری که ادبیات توسعه و گسترش حومه مسکونی در غرب بر توسعه جوامع بسته دروازه دار تمرکز دارد.

سرزندگی یکی از مؤلفه‌های سازنده کیفیت کلی طراحی شهری یک محیط است. به عبارت دیگر سرزندگی به همراه شانزده کیفیت دیگر، یعنی کیفیت‌های خوانایی، شخصیت بصری، حسن زمان، غنای حسی، رنگ تعلق، آموزندگی، نفوذپذیری و حرکت، اختلاط کاربری و فرم، همه شمول بودن، کیفیت عرصه‌ی همگانی، آسایش اقلیمی، ایمنی و امنیت، انعطاف‌پذیری، همسازی با طبیعت، انرژی کارایی و پاکیزگی محیطی - پدیده‌ای بنام کیفیت طراحی شهری می‌آفریند (گلکار، ۱۳۷۸). از این رو سرزندگی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان تعریف کرد. سرزندگی در سطح خرد به مفهوم تنوع فعالیت‌ها در عرصه عمومی و سازگاری آن با فضاهای شهری در چارچوب نظامی از قرارگاه‌های رفتاری به حساب می‌آید. قرارگاه رفتاری که در بستر روانشناسی اکولوژیک و در پی پژوهش‌های بارکر و همکارانش معرفی شد، در حوزه روانشناسی اکولوژیک، در پی تشریح ارتباطات رفتار و محیط در قالب زمان و مکان مشخص است (دژدار و همکاران، ۱۳۹۱). چنانچه از طبقه‌بندی فعالیت‌ی‌ی‌ان گل استفاده شود می‌توان محیط‌هایی را سرزنده اطلاق کرد که در آن فعالیت‌های «اختیاری» و «اجتماعی» در دامنه نسبتاً گسترده‌ای از زمان جریان دارد. در این حالت برخی از شاخص‌های شناسایی محیط‌های سرزنده شامل میزان تراکم افراد پیاده در محل، تعداد،

تنوع و ماهیت قرارگاه‌های رفتاری موجود و نیز وجود فعالیت‌های موسمی، آهنگ و سرعت شهری، تنوع استفاده-کنندگان (زن، مرد، پیر، جوان، کودک، معلول و...)، تنوع فرم و رنگ در منظر شهری می‌شود (Gehl, 2011).

توسعه پایدار شهری

پایداری شهری به معنای جذب، حفظ و توسعه منابع طبیعی و انسانی در شهرهاست (بارگاهی، ۱۳۹۲) گرچه صحبت از «پایداری» به سال‌های قبل از دهه ۱۹۸۰ بر می‌گردد، لیکن معمولاً تحت عناوین مختلف، زمانی با عناوین منفی (مانند اثر مالتوس در اواخر قرن نوزدهم یا کتاب محدودیت‌های رشد) و زمانی با یک تصویر مثبت از آن یاد می‌شود. به طور واقعی توجه جهانی از زمان کمیسیون براتلند که آغازگر بحث بر روی توسعه پایدار بود، بر روی مبحث پایداری معطوف شد.

اگر مفهوم اصلی پایداری عبارت از پایدار کردن کیفیت زندگی مردم باشد، اهداف اجتماعی و اقتصادی با سهولت بیشتری قابل شناسایی خواهد بود. اهداف اجتماعی شامل دستیابی به برابری و حفظ تنوع فرهنگی، ارتقای نقش خانواده، افزایش حس شهروندی، دستیابی به کیفیت مناسب زندگی است. اهداف اقتصادی مشتمل بر اهداف قبلی و هر نوع تغییری در فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود که موجب ارتقا و بهکرد کیفیت زندگی بشود. این موارد شامل ایجاد اقتصاد محلی پایداری است که زندگی مردم را بهتر می‌کند و شرایط کاری را بهبود می‌بخشد. به همین ترتیب اهداف زیست‌محیطی نیازمند ارتقای ظرفیت به‌منظور بهبودبخشی به کیفیت زندگی اجتماعات انسانی هستند. این بدان معنی است که حتی اگر حفاظت از محیط مفهوم اصلی نباشد، هدف زیست‌محیطی نقش مهمی را در پایدار کردن محیط‌زیست و ارتقای کیفیت زندگی ایفا می‌کند. با چنین رویکردی توسعه پایدار چنین تعریف می‌شود: فرایندی از تغییر که ضمن حفاظت از منابع طبیعی و انسانی مورد نیاز نسل‌های بعدی، کیفیت زندگی مردم را بهبود می‌بخشد (UNCHS, 1996: 43).

پایداری محله در ابعاد مختلف کالبدی-فیزیکی، اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی بررسی و تحلیل می‌شود. در نمودار صفحه بعدی شاخص‌های پایداری و ارتباط آن با سرزندگی محله‌های اختصاصی آورده شده است. دانشمندان و برنامه‌ریزان شهری، مولفه‌ها و شاخص‌های متفاوتی را برای سرزندگی فضاهای شهری ارائه داده‌اند که متغیرهای کالبدی-فیزیکی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی نقطه عطف و مشترک آن‌ها می‌باشد (جدول شماره ۱).

جدول ۱: عوامل، مولفه‌ها و شاخص‌های مؤثر سرزندگی شهری

عامل	نظریه پردازان	راهبرد	مولفه‌های مؤثر سرزندگی
اجتماعی - فرهنگی	سی تیز پلاس (۲۰۰۳)	فضای شهری مطلوب	سلامت جسمی و روانی و اجتماعی، غنای روحانی و فرهنگی؛ عدالت، شأن و منزلت و مشارکت
	پالچ (۲۰۰۰)	رابطه اجزاء شهر	رابطه بین مردم و رویدادها
	هالوک (۱۹۹۷)	زندگی سالم	امکان حرکت و جایجایی، طراحی برای تمام سنین جامعه، شهری برای همه
	لنارد (۱۹۹۷)	اعتماد بین شهروندان	گفتگو و اعتمادسازگاری نسبت به هم، تبادل تجربیات
	سازانو (۱۹۹۷)	اتصال بین گذشته و آینده	حفظ نشانه‌های تاریخی، وجود فضاهای مشترک، شهر پایدار، حافظ محیط زیست
پایداری اقتصادی	ایونز (۲۰۰۲)	تأمین معیشت شهروندان	نزدیکی محل کار به خانه، دستمزد متناسب با اجاره خانه، دسترسی به خدمات مورد نیاز خانواده
کالبدی	لنارد (۱۹۹۷)	زیبایی شناسی	ملاحظات زیباشناسانه، اهمیت و معنای محیط کالبدی.

منبع: تلخیص و تدوین نویسندگان از لنارد، ۱۹۹۷، ایونز ۲۰۰۲

شهر پایدار شهری است حافظ رفاه شهروندان چه در بلند مدت و چه در دوره‌ی متوسط است. پایداری ایجاب می‌کند که تصمیم‌گیری یکپارچه در نتایج اقتصادی و اکولوژی و اجتماعی خوب به اجرا درآید. در شهرهای

مدرنیزم، ورودی و خروجی زیاد انرژی باعث ایجاد آلودگی زیست محیطی می‌شد. برای ایجاد شهر پایدار، ورود و خروج انرژی باید کاهش پیدا کند و عملیات باز یافت مواد در شهر انجام گیرد.

محله‌های اختصاصی

محله‌های مسکونی اختصاصی را می‌توان از مهم‌ترین فرم‌های جدید اسکان در شهرها دانست که به فرم غالب مسکن کلان شهرها در دوران معاصر شهرنشینی تبدیل شده است. امروزه مجموعه‌های مسکونی که زمانی قرار بود با قرار گیری در میان فضای سبز و کم تراکم، اجتماعات مناسبی را ایجاد کند، به تدریج به مجتمع‌های آپارتمانی با تراکم بسیار بالا تبدیل گردیده‌اند. پیشرفتهای صنعتی، ازدیاد جمعیت، تولید شیوه‌های شهر سازی و معماری نوین و مفهوم توسعه عمودی، نیروهایی بودند که سیر تحول این مجتمع‌ها به اشکال امروزی تحت تأثیر قرار دادند (قربانی، ۱۳۹۳).

ارزیابی الگوهای مختلف سکونت شهری و رضایت‌مندی ساکنان آن یکی از ابعاد مهم مطالعات شهری در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود. (Jelinkova, 1984) از طریق ارزیابی الگوهای سکونت می‌توان به نواقص و ناکارآمدی سیاست‌های اعمال شده در برنامه‌های توسعه شهری واقف شد. بین طرح کالبدی مجتمع‌های مسکونی و احساس رضایت و حس دل‌بستگی به مکان (علاقه به محیط) ساکنین رابطه مثبت وجود دارد. این رابطه به صورت عاملی ادراکی با ایجاد علاقه برآورده شدن نیازها و انتظارات بر ساکنین تأثیر می‌گذارد. با توجه به تعریف مکان، طرح کالبدی یکی از عوامل محیطی مؤثر در حس دل‌بستگی به مکان است. طرح کالبدی مجتمع‌های مسکونی با القاء تصاویر ذهنی و زیبایی و با تسهیل تعاملات اجتماعی، فعالیت‌ها و ایجاد رضایت‌مندی ساکنین، نهایتاً محیط زندگی را سرزنده می‌کند (رویاصادقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵۴).

مطالعات انجام شده در زمینه دل‌بستگی به مکان، به عوامل مختلفی در این رابطه اشاره می‌کند که می‌توان به نقش عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی (Low & Altman, 1992) عوامل کالبدی (Marcus & Sakissian, 1986) عوامل زمینه‌ای و موقعیتی، عامل زمان و عوامل تعاملی و فعالیتی اشاره کرد. جدا از مقوله سکونت که ممکن است در چارچوب واحدهای مسکونی تحلیل شود، برخی دیگر از عوامل تهدید کننده کیفیت سکونتی، به مجتمع‌های سکونتی برمی‌گردد که عوامل مختلفی نظیر امنیت مجتمع، بهداشت مجتمع، مدیریت و تسهیلات مجتمع، روابط همسایگی و کنش‌های اجتماعی موجود در آن را شامل می‌شود. (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۶) در شهرهای کشور ایران پس از رشد و افزایش سریع جمعیت و به دنبال آن رشد سریع شهرنشینی، بحران کیفیت زندگی در شهرها ایجاد شده است. مهم‌ترین مسئله در این زمینه این است که میان محلات مختلف شهری از نظر کیفیت زندگی، تفاوت چشمگیری وجود دارد. بخش قدیمی شهر با گسترش بافت جدید در اطراف آن از جمعیت پر شده و مراکز تجاری و خدماتی آن با کمبود تأسیسات زیربنایی و زیرساخت‌های مورد نیاز روبرو شده و رشد کالبدی به صورت سریع بافت سنتی را دچار تحول و تخریب کرده است (مهندسین مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۵). عدم توجه به مسئله سرزندگی در محلات مختلف می‌تواند موجب جدایی‌گزینی‌های اکولوژیکی، حاشیه‌نشینی، شمال و جنوب اجتماعی در شهرها، فقر و نابرابری، انواع بزهکارها، مشکلات زیست محیطی، ایجاد شکاف میان محلات مختلف شهر و جدایی آنها از یکدیگر شود (احمدی و نادری، ۱۳۹۲).

محلات اختصاصی، فضاهای محصور هستند که متفاوت از سایر محلات شهر برنامه ریزی و طراحی می‌شوند. این-گونه محلات به نوعی استحکامات ایمنی فضایی شهر را شامل می‌شود ((Hook&Vrdoljak,2002:195). ساکنان محلات اختصاصی در راستای ارتقای ایمنی، کاهش تردد و ترافیک عبوری به داخل محدوده سکونتی، متمایز و متباین کردن محله خود از سایر محلات، اقدام به گذاشتن موانع فیزیکی از جمله درب در ابتدای ورودیهای مجتمع-های مسکونی اختصاصی می‌نمایند. لی گوئیس^۱(۲۰۰۵) محلات اختصاصی را خصوصی کردن فضاهای عمومی شهرها قلمداد می‌کند. سابقه ایجاد محله‌های اختصاصی شده (دروازه دار) به نخستین سکونتگاه‌های ساخته انسان برمی‌گردد. شهرهای قدیمی به منظور حفاظت از ساکنان و مایملک آنها دارای برج و بارو و دروازه بودند؛ (حبیبی، ۱۳۸۳) شهرها تا اواخر قرن نوزدهم میلادی در داخل برج و بارو قرار داشتند ولی با گذر زمان و همزمان با افزایش مراودات شبکه‌های شهری (چه در سطح محلی- منطقه‌ای و چه در سطح ملی - بین المللی) نقش و عملکرد باروهای شهر کم رنگ گردید. دیوار اطراف شهر قرون وسطی به شهر ظاهری جزیره مانند می‌بخشید و علاوه بر کارکرد دفاعی، از ارزش سمبلیک بالایی برخوردار بود. باروی شهر در واقع نمادی از تملک مکان و متعلقات آن تلقی می‌شد. چنین دیوارهایی، اهمیت روانی بسیاری داشته و احساس وحدت و امنیت در ساکنان شهرها ایجاد می‌کردند (Mumford,1961). مجتمع‌های مسکونی بزرگ مقیاس با دارا بودن دیوار و محوطه سازی و داشتن امکانات و خدمات اختصاصی در داخل قلمروی خود نیز به عنوان مجتمع‌های مسکونی اختصاصی شناخته می‌شوند.



دیاگرام ۱: مدل مفهومی، مولفه‌ها و متغیرهای سرزندگی و پایداری شهری

منبع: نگارندگان

به منظور شناسایی معیارهای اجتماعی یک محله مطلوب، از چارچوب محله پایدار استفاده می‌شود. بطور کلی، در تعریف محله پایدار آمده است که این محلات، نیازهای موجود و آینده ساکنان، فرزندان آنها و دیگر استفاده کنندگان

¹. Le Goix

را برآورده می‌سازند. ضمن اینکه این محلات کیفیت بالایی از زندگی، و همچنین فرصت و انتخابهای متعددی را برای این گروهها فراهم می‌سازد؛ این اهداف در اینگونه محلات با استفاده مؤثر از منابع طبیعی، تقویت انسجام اجتماعی و مشمولیت و رونق اقتصادی حاصل می‌شود (محمدی و خلوصی، ۱۳۹۲: ۱۵)

جدول ۲: بررسی تطبیقی ویژگی‌های یک محله پایدار و غیر پایدار

معرفی محدوده مورد مطالعه

ویژگی	محله پایدار	محله غیر پایدار
کیفیت محیطی	ایجاد محیط‌های جذاب، کیفیت بالایی از زندگی، ایجاد کشش مستحکمی برای دامنه‌ای از گروههای اجتماعی، خوانایی بالای محیط، دسترسی مطلوب، شیوه متفاوت زندگی (شهرگرایی)	کیفیت پایین زندگی، نیروی دافعه قوی برای دامنه‌ای از گروههای اجتماعی، آشفته‌گی محیطی، نفوذناپذیری، شیوه زندگی روستایی (شهرنشین)
ابعاد زیست محیطی	استفاده مجدد از اراضی داخل شهر، به حداقل رساندن سفرهای ماشینی، حمل و نقل عمومی با کیفیت بالا، تقلیل رد پای اکولوژیکی	رشد پراکنده شهری، به حداکثر رساندن سفرهای ماشینی وابستگی به وسیله شخصی و کمبود حمل و نقل عمومی، استفاده بیشتر از کربن
ویژگیهای اجتماعی	دامنه وسیعی از مهارتها در نیروی کار، تنوع اجتماعی و قومیتی، اختلاطی از گونه‌های اقتصادی اجتماعی ساکنان، سطح بالا فرهنگ، تراکم متوسط، تعاملات اجتماعی بالا، اعتماد بالا.	عدم مهارت نیروی کار، جوامع محلی غیر متعادل، سطوح بالایی از جدایی مکانی بین گروهها، نبود تنوع، تراکم جمعیت بالا، تعاملات کم اجتماعی، عدم اعتماد به همسایه-ها.
هویت، تعلق و ایمنی	حس مکان، ادراک مکان، تعلق مکان و تحقق هویت مکان، تحمل، احترام و تعهد بین ساکنان، سطوح پایینی از جرم و رفتارهای غیر اجتماعی	عدم حس مکان و تعلق به محیط، نبود فرهنگ مشارکت محلی و مالکیت فضاهای عمومی، سطوح بالایی از جرم، بی نظمی و ترس.

محله چرنداب از محله‌های قدیمی و تاریخی شهر تبریز است که در مرکز این شهر واقع شده‌است. این محله از سمت شمال به محله مهادهمین، از سمت جنوب به تپه‌های یانیق، از سمت شرق به محله نویر و از سمت غرب به محله لیل آباد محدود شده‌است. بافت کالبدی محله ارگانیک می‌باشد که در طی سال‌های اخیر اقدامات بهسازی و ساماندهی در جهت احیای محله صورت گرفته است. مساحت محله ۱۷۰۶۲۲۳ متر مربع (۱۷ هکتار) می‌باشد. محله چرنداب غیر از فضای سبز و فضای باز از لحاظ سایر کاربری‌های خدماتی مانند آموزشی، اداری، بهداشتی در وضعیت مطلوبی قرار دارد و از نظر کالبدی و حفظ ساکنین اصلی محله نسبت به سایر محلات قدیمی تبریز در وضعیت مناسبی قرار دارد. مجتمع مسکونی آسمان بعنوان یکی از بزرگترین مجتمع‌های مسکونی کلان‌شهر تبریز در قسمت شرق شهر (منطقه ۱ شهرداری) با ۳۱۵۲ نفر جمعیت و با ۹۲۸ واحد مسکونی واقع شده است. تاریخچه ساخت آن به پانزده سال اخیر می‌رسد. این مجتمع از نظر مقیاس و اندازه، جزو مجتمع‌های با مقیاس بزرگ محسوب می‌گردد و از نظر نحوه چیدمان بلوک‌ها، جزو مجتمع‌های اختصاصی منفرد قرار می‌گیرد. قرارگیری آن در منطقه مطلوب شهر و نزدیکی آن به مجموعه‌ی تفریحی ائل گولی بر میزان جمعیت پذیری و موفقیت آن افزوده است (آذر، ۱۳۹۴).



تصویر ۱: مجتمع مسکونی آسمان تبریز (سمت راست) و محله چرنداب (سمت چپ) منب: نگارنده بر اساس داده‌های Google earth map

آمار توصیفی پاسخگویان

سن و جنس

طبق نتایج حاصل از اطلاعات پرسشنامه، ۱۱ درصد پاسخگویان در رده سنی زیر ۲۵ سال و ۲۲ درصد در رده سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و ۱۸ درصد در رده سنی ۳۱ تا ۳۵ سال و ۱۵ درصد در گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال و ۳۴ درصد در رده سنی ۳۰ به بالا هستند. این آمار نشان می‌دهد اکثر پاسخگویان در گروه سنی ۴۱ سال به بالا قرار دارند. همچنین ۵۳ درصد از کل پاسخگویان را مردان و ۴۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. وضعیت کالبدی و فیزیکی کیفیت کالبدی و فیزیکی محیط، نقش بسزایی در افزایش رضایتمندی و سرزندگی ساکنین دارد. به طوری که مکان‌هایی که از نظر شاخصه‌های کالبدی از جمله دسترسی‌ها، خدمات و امکانات، نحوه قرار گیری مساکن، تراکم و ترافیک در وضعیت مناسبی قرار گرفته‌اند؛ از کیفیت محیطی و مکانی مطلوبی برخوردار هستند. متغیرهای مؤلفه محیط کالبدی-فیزیکی شامل، کیفیت مصالح بکار رفته در ساختمان، دسترسی سریع به فضای سبز و پارک، جمع-آوری به موقع و در فاصله زمانی مناسب زباله‌ها از طرف شهرداری، دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی، وضعیت مناسب دسترسی (معاپر) محله/مجتمع مسکونی، میزان سایه‌اندازی سایر ساختمان‌ها، تراکم ترافیک، آرامش و سکون در محله/مجتمع، دسترسی سریع و آسان به مرکز خرید روزانه می‌باشند. طبق مطالعات میدانی و نتایج مستخرج از پرسشنامه‌ها، غیر از متغیر آرامش و سکون در محدوده‌های مورد مطالعه، امتیاز بقیه متغیرها (گویه‌ها) کمتر از ۳ می‌باشد و در وضعیت مطلوب‌تری قرار گرفته‌اند. همچنین در اکثر متغیرهای مربوط به گویه‌های بعد کالبدی و فیزیکی، مجتمع مسکونی آسمان تبریز نسبت به محله چرنداب در وضعیت مناسبی قرار دارد. به‌طوری‌که میانگین کل گویه‌های مؤلفه کالبدی و فیزیکی در مجتمع آسمان ۲.۳۵ و در چرنداب ۲.۵۸ می‌باشد. قرارگیری مجتمع آسمان از نظر مکان مناسب و ماتریس مطلوبیت و سازگاری، چیدمان مناسب بلوک‌ها، تراکم ترافیکی کم، دسترسی مناسب، مبلمان و محوطه سازی زیبا، جمع‌آوری به موقع زباله باعث ارتقای کالبدی و فیزیکی مجتمع مسکونی اختصاصی آسمان تبریز نسبت به محله چرنداب شده است. مقدار sig که از ۰.۰۵ کمتر می‌باشد بیانگر تفاوت معنادار بین عوامل کالبدی و فیزیکی است.

جدول ۳: توزیع میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های مربوط به گویه های بعد کالبدی و فیزیکی

گویه	محدوده	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ	t	Sig سطح معنی داری
کیفیت مصالح بکار رفته در ساختمان	محلہ چرنداب	۲.۱۴	۱.۲۶	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۱.۵۶	۰.۷۸	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
دسترسی سریع به فضای سبز و پارک	محلہ چرنداب	۲.۵۲	۱.۰۵	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۱۴	۰.۸۸	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
جمع‌آوری به موقع زباله‌ها از طرف شهرداری	محلہ چرنداب	۲.۲۲	۱.۰۹	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۲۰	۰.۹۴	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
دسترسی آسان به وسایل حمل و نقل عمومی	محلہ چرنداب	۲.۶۴	۱.۱۳	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۱۸	۱.۰۲	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
وضعیت مناسب دسترسی محله/مجتمع مسکونی	محلہ چرنداب	۲.۷۲	۱.۱۷	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۲۴	۱.۰۲	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
میزان سایه‌اندازی سایر ساختمان‌ها	محلہ چرنداب	۲.۵۶	۱.۱۶	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۵۶	۰.۹۹	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
تراکم ترافیک	محلہ چرنداب	۲.۹۸	۱.۱۸	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۸۸	۱.۲۳	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
آرامش و سکون در محله/مجتمع	محلہ چرنداب	۳.۰۶	۱.۱۵	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۳.۱۲	۱.۰۹	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰
دسترسی سریع و آسان به مرکز خرید روزانه	محلہ چرنداب	۲.۳۸	۰.۹۸	۰.۸۸۶	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۳۴	۱.۰۸	۰.۸۱۹	۰.۴۴	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

بعد اقتصادی

یکی دیگر از مولفه‌های تأثیر گذار در سرزندگی، درآمد و وضعیت اقتصادی ساکنین است. متغیرهای شاخص ترکیبی اقتصادی شامل هم خوانی میزان درآمد و هزینه مصرفی خانوارها، فاصله طبقاتی، رضایت از شغل، قیمت خانه‌ها، وجود فرصت شغلی مناسب و مطلوبیت میزان درآمد خانوارها می‌باشند. جدول ۴ نشان دهنده توزیع میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های مربوط به بعد اقتصادی می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌شود میانگین گویه‌ها بین ۲.۲۲ تا ۳.۱۰ در حال نوسان است. پایین بودن سطح معنی داری نشان از وجود رابطه معنادار مابین گویه های بعد اقتصادی دارد. در هر دو محدوده مورد مطالعه، فاصله طبقاتی از سطح متوسط به پایین است که به دلیل مساحت متفاوت خانه‌ها در این دو محدوده است. با توجه به قیمت بالای مسکن در مجتمع آسمان و درآمد مکفی ساکنان آن، میانگین متغیرهای اقتصادی نسبت به محله چرنداب کمتر است و از وضعیت مناسبی برخوردار است. میانگین کل بعد اقتصادی در آسمان ۲.۶۲ و در چرنداب برابر با ۲.۷۵ می‌باشد.

جدول ۴: توزیع میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های مربوط به گویه های بعد اقتصادی

گویه	محدوده	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ	t	Sig سطح معنی داری
هم خوانی میزان درآمد و هزینه مصرفی خانوارها	محلہ چرنداب	۲.۹۶	۱.۱۹	۰.۷۰۱	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۸۲	۱.۱۸	۰.۵۹۵	۰.۵۹	۰.۰۰۰
فاصله طبقاتی زیاد	محلہ چرنداب	۳.۱۰	۱.۲۴	۰.۷۰۱	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۳.۱۰	۱.۱۶	۰.۵۹۵	۰.۵۹	۰.۰۰۰
رضایت از شغل	محلہ چرنداب	۲.۴۶	۱.۱۴	۰.۷۰۱	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۲۶	۰.۹۶	۰.۵۹۵	۰.۵۹	۰.۰۰۰
قیمت مسکن	محلہ چرنداب	۲.۵۰	۱.۵۶	۰.۷۰۱	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۳۰	۱.۰۱	۰.۵۹۵	۰.۵۹	۰.۰۰۰
وجود فرصت شغلی مناسب	محلہ چرنداب	۲.۸۶	۱.۱۶	۰.۷۰۱	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۳.۰۴	۲.۹۶	۰.۵۹۵	۰.۵۹	۰.۰۰۰
مطلوبیت میزان درآمد خانوار	محلہ چرنداب	۲.۶۶	۱.۰۹	۰.۷۰۱	۰.۶۴	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۲۲	۱.۱۱	۰.۵۹۵	۰.۵۹	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

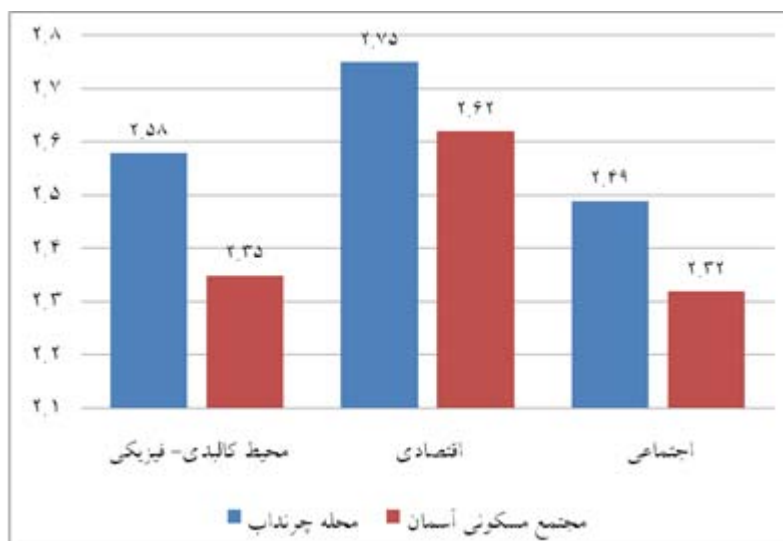
بعد اجتماعی

متغیرهای شاخص ترکیبی اجتماعی شامل رابطه همسایه‌ها نسبت به هم، اعتماد متقابل همسایه‌ها، تعلق خاطر ساکنین نسبت به امور محله، وضعیت سلامت اجتماعی محله، امنیت محله، رضایت از زندگی در محله، شرکت در فعالیتهای محله، امید به آینده در محله، رضایت از همسایگان، شأن، جایگاه و کلاس اجتماعی محله نسبت به سایر محله‌ها را شامل می‌گردد. بررسی گویه‌های مؤلفه اجتماعی نشان می‌دهد مجتمع آسمان به غیر از متغیر رضایت‌مندی از همسایگان در سایر گویه‌ها نسبت به چرنداب از وضعیت مناسبی برخوردار است. بالاترین امتیاز گویه‌ها مربوط به شأن و وجهه است. که این مقدار در محله چرنداب ۲.۷۱۰ و در مجتمع آسمان ۲.۶۲ است. این بدان معناست که ساکنین مجتمع آسمان شأن محل زندگی خود را بیشتر از سایر مناطق شهر تبریز تصور می‌کنند. جدول ۴ نشان دهنده توزیع میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های مربوط به بعد اجتماعی می‌باشد. با توجه به جدول مقدار sig از مقدار نرمال (۰.۰۵) کمتر بوده پس می‌توان نتیجه گرفت تفاوت معناداری بین گویه‌های اجتماعی وجود دارد.

جدول ۵: توزیع میانگین و انحراف معیار پاسخ‌های مربوط به بعد اجتماعی

گویه	محدوده	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ	t	Sig سطح معنی داری
رابطه همسایه‌ها نسبت به هم	محله چرنداب	۲.۲۰	۰.۹۰	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۱۸	۰.۹۶	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
اعتماد متقابل همسایه‌ها نسبت به هم	محله چرنداب	۲.۸۸	۲.۹۲	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۲۴	۱.۰۷	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
تعلق خاطر ساکنین نسبت به امور محله	محله چرنداب	۲.۶۴	۱.۱۷	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۴۰	۱.۰۶	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
وضعیت سلامت اجتماعی محله	محله چرنداب	۲.۵۰	۱.۰۱	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۱۶	۰.۹۹	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
امنیت محله	محله چرنداب	۲.۴۲	۱.۱۲	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۱۰	۱.۰۵	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
رضایت از زندگی در محله	محله چرنداب	۲.۳۶	۱.۵۲	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۲۲	۰.۹۳	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
شرکت در فعالیتهای محله	محله چرنداب	۲.۶۴	۱.۰۶	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۴۴	۱.۱۴	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
امید به آینده در محله	محله چرنداب	۲.۵۴	۱.۰۱	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۶۲	۱.۱۴	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
رضایت از همسایگان	محله چرنداب	۲.۰۸	۰.۸۵	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۲۶	۰.۹۴	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰
شأن، جایگاه اجتماعی محله نسبت به سایر محله‌ها	محله چرنداب	۲.۷۰	۱.۱۴	۰.۶۹۶	۰.۶۱	۰.۰۰۰
	مجتمع آسمان	۲.۶۲	۱.۱۹	۰.۹۰۴	۰.۶۲	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق



نمودار ۱: میانگین شاخص‌های ترکیبی مؤلفه‌های سرزندگی در مجتمع مسکونی اختصاصی آسمان و محله سنتی چرنداب منبع: نگارندگان

بحث و بررسی

با توجه با شاخص‌های انتخابی و نتایج حاصل از مطالعات میدانی و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، میزان سرزندگی در مجتمع مسکونی اختصاصی آسمان تبریز بر اساس مؤلفه‌ها و متغیرهای اندازه‌گیری شده بیشتر از محله سنتی چرنداب می‌باشد. چیدمان مناسب بلوک‌ها و محوطه سازی باعث حضورپذیری بیشتر ساکنین و در نتیجه مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی را سبب شده است. در ادامه به آزمون فرضیات پرداخته می‌شود. فرضیه اول تحقیق عبارت است از: به نظر می‌رسد میزان سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی اختصاصی آسمان بیشتر از محله سنتی چرنداب می‌باشد. از طریق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن توزیع داده‌ها مشخص گردید. طبق این آزمون، مقدار Sig (سطح معنی داری) ۰.۸۲۱. محاسبه شده است (بیشتر از ۰.۰۵). طبق آزمون t مستقل، میانگین مؤلفه های سرزندگی در مجتمع مسکونی آسمان، برابر با ۲.۴۶ (در حد متوسط با بالا) و در محله چرنداب برابر با ۲.۵۰ می‌باشد. با توجه به مقدار sig (p value) که در تمامی متغیرها کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، میزان سرزندگی در مجتمع مسکونی اختصاصی آسمان تبریز بیشتر از محله سنتی چرنداب می‌باشد.

جدول ۶: نتایج آمار توصیفی آزمون تی تک نمونه‌ای مجتمع مسکونی آسمان تبریز (t)

One-Sample Statistics				
متغیر	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
کالبدی	۲۶۸	۲.۴۶۸۹	.۷۴۵۲۰	.۰۷۴۵۲
اقتصادی	۲۶۸	۲.۶۲۳۳	.۹۰۲۷۶	.۱۲۷۶۷
اجتماعی	۲۶۸	۲.۳۲۶۰	.۷۷۲۹۶	۱.۰۹۳۱.

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۷: نتایج آزمون تی تک نمونه مجتمع مسکونی آسمان تبریز

One-Sample Test						
Test Value = 3						
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
کالبدی	۱۲۷.۷-	۲۶۷	۰.۰۰۰	۵۳۱۱۱-	۶۷۹۰۰-	۳۸۳۲۰-
اقتصادی	۹۵۰.۲-	۲۶۷	۰.۰۰۵	۳۷۶۶۷-	۶۳۳۲۰-	۱۲۰۱۰-
اجتماعی	۱۶۶.۶-	۲۶۷	۰.۰۰۰	۶۷۴۰۰۰-	۸۹۳۷۰-	۲۵۴۳۰-

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۸: نتایج آمار توصیفی آزمون تی تک نمونه‌ای محله چرنداب (t)

One-Sample Statistics				
متغیر	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
کالبدی	۵۰	۵۸۰۰.۲	۸۲۱۸۱.	۱۱۶۲۲.
اجتماعی	۵۰	۴۹۶۰.۲	۷۲۴۲۱.	۱۰۲۴۲.
اقتصادی	۵۰	۷۵۶۷.۲	۷۸۹۱۱.	۱۱۱۶۰.

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۹: نتایج آزمون تی تک نمونه مجتمع مسکونی آسمان تبریز

One-Sample Test						
متغیر	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
کالبدی	۶۱۴.۳-	۴۹	۰۰۱.	۴۲۰۰۰-	۶۵۳۶-	۱۸۶۴-
اجتماعی	۹۲۱.۴-	۴۹	۰۰۰.	۵۰۴۰۰-	۷۰۹۸-	۲۹۸۲-
اقتصادی	۱۸۰.۲-	۴۹	۰۳۴.	۲۴۳۳۳-	۴۶۷۶-	۰۱۹۱-

منبع: یافته‌های تحقیق

همچنین طبق شاخص‌های ترکیبی، میانگین تمامی مولفه‌های سرزندگی در مجتمع آسمان بیشتر از محله سنتی چرنداب هست (جدول زیر).

جدول ۱۰: جدول میانگین مولفه‌های ترکیبی

مجموع مسکونی بزرگ مقیاس آسمان	محله سنتی چرنداب	شاخص ترکیبی مولفه‌ها
میانگین مولفه‌های ترکیبی		
۲.۳۵	۲.۵۸	محیط کالبد- فیزیکی
۲.۶۲	۲.۷۵	اقتصادی
۲.۳۲	۲.۴۹	اجتماعی
۲.۴۳	۲.۶	میانگین کل

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج آماری تحقیق فرضیه «میزان سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی اختصاصی آسمان بیشتر از محله سنتی چرنداب می‌باشد» اثبات می‌شود.

فرضیه دوم تحقیق عبارت بود از: به نظر می‌رسد بین مولفه‌های اجتماعی و کالبدی و میزان سرزندگی ارتباط وجود دارد.

برای تحلیل فرضیه بالا از مدل همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. نتایج بدست آمده به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱۱: محاسبه همبستگی پیرسون

متغیر وابسته	متغیر مستقل
سرزندگی شهری <td>مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی (متغیر مستقل) </td>	مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی (متغیر مستقل)
	Pearson Correlation
	Sig. (2-tailed)

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول مقدار همبستگی مثبت بوده و می‌توان گفت شدت این رابطه متوسط و جهت آن نیز مستقیم می‌باشد. و از آنجا که مقدار Sig کمتر از آلفای تحقیق ($\alpha=0.05$) می‌باشد نتیجه کلی این است که فرضیه تحقیق ثابت می‌شود یعنی «بین مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی و میزان سرزندگی ارتباط مستقیم وجود دارد». همبستگی بین متغیرها برابر با ۰.۴۸۸ می‌باشد. ضریب تعیین ۰.۲۳ نشان می‌دهد که ۲۳ درصد تغییرات سرزندگی شهری مربوط به مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی است. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین- واتسون از مقدار استاندارد ۱.۵ بزرگ‌تر است در نتیجه استقلال باقیمانده‌ها را نتیجه می‌گیریم. با توجه به شاخص‌هایی که عنوان شد مدل از کفایت برخوردار است.

در جدول زیر معنی دار بودن رگرسیون بوسیله آزمون F محاسبه شده است.

جدول ۱۲: جدول آزمون F معنی دار بودن رگرسیون رابطه بین مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی و میزان سرزندگی

مدل	Sig.	F آماره	میانگین مجموع مربعات	Df	مجموع مربعات
رگرسیون	۰.۰۰۲	۷.۳۵۱	۰.۸۱۴	۲	۱.۶۲۸
باقیمانده			۰.۱۱۱	۳۱۶	۵.۲۰۵
کل				۳۱۸	۶.۸۳۴

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول فوق سطح معنی درای محاسبه شده برابر ۰.۰۰۲ بوده و نشان از معنی دار بودن رگرسیون دارد.

جدول ۱۳: نتیجه آزمون t ارتباط مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی و سرزندگی

مدل	Coefficients ^a			
	B	Std. Error	تضریب استاندارد	T
۱ مقدار ثابت	-.۱۰۳	۰.۲۰۳	ضریب استاندارد	-۰.۵۰۷
مؤلفه سرزندگی شهری	۰.۱۷۵	۰.۰۸۶	۰.۲۸۸	
				۲.۰۹

منبع: یافته‌های تحقیق

آزمون T مربوط به ضرایب رگرسیون نیز در این جدول برای متغیر مستقل نشان داده شده است که این مقدار برابر ۰.۰۰۰ بوده و در نتیجه مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی و سرزندگی شهری با هم در ارتباط هستند.

جمع بندی

سرزندگی، مفهومی اعم از فضای شهری بوده و در دو سطح خرد و کلان قابل تعریف می‌باشد؛ سرزندگی در سطح کلان، علاوه بر سرزندگی فضاهای شهر، مفاهیمی چون عدالت، کارآمدی، سازگاری، انعطاف‌پذیری، کیفیت محیطی را نیز در بر می‌گیرد که در نهایت سرزندگی شهر در صورت پایداری به زیست‌پذیری منجر خواهد شد. فضایی سرزنده است که در دامنه وسیعی از روز، انواع افراد به اختیار خود و نه از روی اجبار به آنجا آمده و لحظاتی را در فضا سپری نمایند؛ به عبارت دیگر یعنی فضا باید به گونه‌ای باشد که مردم بیایند و بمانند. با مطالعات انجام شده، این نتیجه گرفته می‌شود که برای فراهم بودن زمینه جذب افراد به فضا و سپس نگه داشتن آن‌ها در فضا باید نخست عناصر و عوامل جذب کننده موجود باشد و هم‌چنین مردم برای ماندن در فضا دچار مشکل نبوده و در کمال رضایت به سر برند. مجتمع‌های مسکونی که امروزه شاهد سر به فلک کشیدن آنان در گوشه و کنار شهرها می‌باشیم روزانه مردم بسیاری را به زندگی در فضاهای جمعی سوق می‌دهد و با فراهم آوردن امکانات تفریحی، رفاهی و خدماتی مورد نیاز سعی بر برطرف کردن احتیاجات ساکنان و جلب رضایت آنان دارند. در مطالعات انجام گرفته در

بخش نمونه موردی به این نتیجه رسیدیم که تفاوت معنی‌داری از نظر سرزندگی بین محله سنتی چرنداب و مجتمع اختصاصی آسمان تبریز وجود دارد و میزان سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی اختصاصی آسمان بیشتر از محله سنتی چرنداب می‌باشد.

کیفیت محیط شهری به عنوان یکی از ابعاد مهم کیفیت زندگی، هم‌زمان با پدیدارشدن بحران‌های محیطی در اواسط دهه ۱۹۶۰ در مجامع رسمی بین‌المللی در اولین کنفرانس سکونتگاه سازمان ملل مطرح شد. در این کنفرانس، کیفیت محیط را با برآورده کردن نیازهای اساسی انسان و عدالت اجتماعی مترادف دانستند. کیفیت محیط شهری دربرگیرنده شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی محیط شهری است که میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری را نمایان می‌سازد. محققان متعددی طی چند دهه اخیر در زمینه شهرسازی، اقتصاد، مسائل اجتماعی و غیره در زمینه مفهوم سرزندگی محیط شهری تحقیق کرده و معیارهای مختلفی را بر اساس جنبه‌های گوناگون، برای یک محیط شهری مطلوب ارائه داده‌اند. سرزندگی محیط صرفاً مفهومی کمی و تکنیکی نبوده، بلکه با مفاهیم کیفی هم‌چون کیفیت زندگی، تنوع فضای اجتماعی، فعالیت‌های اجتماعی، وابستگی‌های مکانی و هویت شهری نیز در ارتباط است. مؤلفه‌های اثرگذار کیفیت محیط شهری هم‌چون بهداشت محیط، امنیت، تعاملات اجتماعی، تنوع فعالیت‌های فرهنگی، حمایت از اقتصاد محلی، دسترسی‌های مناسب، افزایش کیفیت کالبدی محیط و غیره نقش قابل ملاحظه‌ای در رضایت مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری ایفا می‌نمایند. رضایت مندی شهروندان یکی از متغیرهای سرزندگی شهری می‌باشد. دانستن این که کدام‌یک از خصوصیات پاسخگویان تأثیر معناداری بر سرزندگی شهری دارد، مهم است. با توجه به درصد فراوانی و نتایج آزمون‌ها می‌توان گفت که سرزندگی شهری با افزایش میزان تحصیلات، درآمد خانوار، مالکیت مسکن و شاغل بودن در ارتباط است.

منابع

- احمدی، قادر، نادری، سونیا (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در محلات بافت جدید و قدیم شهری، مطالعه موردی: محله شهرک قدس و قطارچیان شهر سنج»؛ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، ۸، ۷۱-۸۱
- آذر، علی (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل سرزندگی و پایداری در مجتمع‌های مسکونی کلان شهر تبریز با تأکید بر محله‌های اختصاصی، رساله دکترا، دانشگاه تبریز.
- آرین‌پور، شایا، موسایی‌جو، اکبر (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری با رویکرد پایداری شهری (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی، کوه‌دشت.
- بارگاهی، رضا (۱۳۹۲)، تحلیلی بر پایداری شهرهای جدید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گلستان.
- بهرامی‌نژاد، دهقان (۱۳۸۲). شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها مطالعه موردی شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی شهری، دانشگاه شیراز.
- جکوبز، جین (۱۳۹۳). مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، دانشگاه تهران.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۳). از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
- ژدار، امید؛ طلپس چی، غلامرضا؛ روحی دهکردیف رحمان (۱۳۹۱). «بازشناسی مفهوم قرارگاه‌های رفتاری مروری بر تعاریف و ویژگی‌های قرارگاه رفتاری با تأکید بر مرور تحلیلی متن شوگن»، نشریه مطالعات محیطی هفت حصار، دوره اول، ۱، ۲۰-۱۳.

- رفیعیان، مجتبی و همکاران (۱۳۸۶). ارزیابی میزان کیفیت مجتمع‌های سکونتی با تأکید بر رویکرد رضایتمندی در محله نواب، فصل نامه برنامه ریزی و آمایش فضا، ۶۵، ۲۱۲-۱۹۷.
- رؤیا صادقی، فرشته؛ دانشگر مقدم، گلرخ؛ دژدار، امید (۱۳۹۱). «بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین»، فصلنامه مدیریت شهری، ۳۰، ۲۶۴-۲۵۳.
- صمدی فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۲). «بومی سازی و پایداری معماری مجتمع‌های مسکونی با بهره‌وری از فضاهای عمومی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی»، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران.
- قالیباف، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۰). «ارزیابی کیفیت زندگی شهری، نمونه موردی: محله یافت آباد»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال نهم، ۳۱، ۵۳-۳۳.
- قربانی، جواد (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی سرزندگی در مجتمع‌های مسکونی کلان شهر تبریز، مطالعه موردی: محلات ویجویه و رشدیه، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشکده جغرافیا و برنامه ریزی دانشگاه تبریز.
- گلکار، کورش (۱۳۷۸). «تئوری‌های طراحی شهری: تحلیل گونه‌شناختی تئوری‌ها»، نشریه علمی-پژوهشی صفا، شماره ۲۹، صص ۳۳-۱۶.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۶). «مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری»، نشریه علمی پژوهشی صفا، ۶۴-۴۴.
- محمدی، مریم؛ امیرحسین خلوصی (۱۳۹۲). «تبیین شاخص‌های مؤثر بر افزایش قابلیت پیاده‌مداری به منظور ارتقای پایداری اجتماعی در محلات (محله چیدار)»، نشریه معماری و شهرسازی پایدار، شماره ۲، صص ۱۳-۲۷.
- مهندسین مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۵). طرح جامع شهر سنج، سازمان مسکن و شهرسازی استان کردستان.
- Babaei, Mohammadreza; Zoovarzi, Shahin; Rahbari manesh, Kamal (2013). A Study on the Effective Factors in the Vitality of Residential Complexes, Space Ontology, International Journal, 1 (1), 63-75.
- Gehl, J. (2011), Life between Buildings: Using Public Space, Third Edition, Island Press, Washington.
- Hook, Derek, Michele Vrdoljak. 2002. «Gated communities, heterotopia and a rights of privilege: a heterotopology of the South African security-park» Geoforum, No 33, 95-219 (www.elsevier.com/locate/geoforum)
- Jelinkova Z., Picek M. (1984). «Physical and psychological factors determining population responses to environment». Activ. Nerv. Sup Vol. 26, No. 2.
- Le goix R. (2005). «Gated Communities: Sprawl and Social Segregation in Southern California». Housing Studies, vol. 20, n° 2, 323-344. LEAVITT J., LOUKAITOU-SIDERIS.
- Low, Setha M, Altman Irwin (1992). Place Attachment a Conceptual Inquiry, Plenum Press, New York.
- Marcus, C. & Sarkissian, W. (1986). Housing as if people Mattered: Site Design Guildlines for Medium-Density family Housing. first edition. California: University of California press.
- Maslow, A. H. (1943). A Theory of Human Motivation. *Psychological Review*, 50(4), 370-96.
- Mumford, L., (1961), the city in history, New York: Harcourt, Brace, and World.
- National Science Foundation study Institute for Community Design *Analysis: New York*
- Van poll, Ric (1997). The perceived Quality 33 of urban Environment A multi- attribute evaluation, university of Groningen. Arkitrktens Forlag, Copenhagen.